

و چهارم یاد بگفت و کند
بخندای یاد بگفت که زیاد را
بر عشق دیده ام و من
از راست کویانه ام

زفا کرده است و من از راست کویانم و دوم یاد بگفت سو کند
بخندای یاد بگفت که شکر را بر بشکر خود که فریاد و من از راست
کویانم و سوم یاد بگفت سو کند بخندای یاد بگفت که چهارم
باشد که من با او بودم که نکرده ام و من از راست کویانم و پنجم
یاد بگفت گفته خدای بر عجز یاد از چنانکه از خروج کویان است
پس حضرت رسالت علیه الصلوة والسلام فرموده بشنید و محله
را گفت بر عجز و برهانست و گفت سو کند بخندای یاد بگفت که
من زنا کرده ام و عجز بر شکر را بر شکر من ندیده و از خروج کویان
است و دوم یاد بگفت سو کند بخندای یاد بگفت که عجز بر شکر
را بر شکر من ندیده و از خروج کویان است و سوم یاد بگفت سو کند
بخندای یاد بگفت که من از عجز بر شکر و از خروج کویان است
و چهارم یاد بگفت سو کند بخندای یاد بگفت که عجز بر شکر
شکر ندیده و از خروج کویان است و پنجم یاد بگفت عجز بر شکر
بر محله یاد از عجز بر شکر است گفته پس حضرت رسالت علیه الصلوة
والسلام بیان ایشان فرمود و گفت که این سو کند یاد بگفت
مرا با این زن اندیشه شدی بعد از آن فرمود احتیاط کنید
از چنانکه از وی فرزندی سرچسبیا و من گفت پس تو که
گفت از شکر کنی محاسب شدی و از گندم کون و لنتا خوبی بود که
اندام و نوبه اسبق باشد از شکر کرد و از آن عجز است که فرزند

ما را قوه احوال و شکر شکرش مردگان ما را من اوردید
امروزید کردان یاد بگفت یاد بگفت
یاد بگفت العالیس
تفت القرب البیاض الیون نوح
صلی الله علیه و السلام علی الصلوة
و آخره و عطاها و عطاها و عطاها
الاصیب رحمة رحمت فی طهر سیران
شما پیر الهیة علی بر لجه الصنیفة الخیفة الراهیة
الی رحمة اللطیف لکنه تاج الیون بصر من قطام اللیون علی
من شمس الیون حر برین حاجی من لکنه بصر من عالج
جبر من و تاج الیون مشرف الکاویون عو القوم
اللهم اغفر لی الذنوب و کثیر الهمم و الذنوب
و اشیة المسایب باقا و القدر
و بالرحمة العالیس